



نگاهی به جرایم اقتصادی مبتنی بر حقوق کیفری اقتصادی

میثم درزی نژاد رمی^۱

چکیده

اقتصاد کلیدی ترین موضوع جامعه است به همین دلیل مبارزه با جرایم اقتصادی دارای جایگاه ویژه‌ای است. جرایم اقتصادی به جرایمی که بر ضد اقتصاد کشور و در جهت تخریب نظام اقتصادی صورت گیرد، اطلاق می‌شود و امروزه به یکی از چالش‌های جوامع در حال توسعه به شمار می‌رود که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. توسعه جرایم اقتصادی موجب جلوگیری دولت به اهداف ملی در زمینه امنیت اقتصادی شده و روند عمومی امور را به خطر می‌اندازد. پژوهش حاضر تلاش دارد به بررسی موانع تعریف در نظام‌های مختلف اقتصادی بپردازد. بنابراین پیشگیری از جرایم اقتصادی، با تأثیر گذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که هزینه ارتکاب جرم بیش از حد توان آنهاست. مشکل بودن کشف جرایم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر از دلایل افزایش تلاش‌های پیشگیرانه می‌باشد. در سیاست جنایی ایران متأثر از کنوانسیون سازمان ملل راجع به فساد تدابیری پیش‌بینی گردیده است که هم‌واجد وصف کیفری و هم غیر کیفری‌اند که در این مقاله به ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، حقوق کیفری، امنیت، جرم‌شناسی اقتصادی

A Glance at Economic Crimes Based on Economic Penal Law

Maisam Darzi Nejad rami¹

Abstract

Economy is the most significant issue of a society, therefore; combating economic crimes has a special stance. Economic crimes are those crimes which are against a country's economy and intended to destroy its economic system and nowadays, are considered as one of the challenges of developing societies. Development of economic crimes prevent a government's national objectives in the field of economic security and endanger the general trend. The present research attempts to investigate definition obstacles in different economic systems. Therefore; economic crimes prevention will dissuade potential criminals, through affecting criminalizing situations via taking appropriate measures, that the cost of committing the crime is beyond their abilities. The difficulties of detecting economic crimes on the one hand, and lack of sufficient access to the detection sources and tracking them, and accompanying these crimes with high costs for the society, on the other hand, are among the efforts to prevent them. In Iran's criminal policy, influenced by the United Nations Convention on corruption, measures have been envisioned which are categorized as penal and non-penal which will be addressed in this article.

Key Words: economic crimes, penal law, security, economic criminology



مقدمه و بیان مسئله

امروزه اقتصاد در زندگی افراد جامعه، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند. امروزه همه کشورهای دنیا به طور معمول از آسیب‌های ناشی از جرایم اقتصادی مصون نیستند. جرایم اقتصادی در دهه‌های اخیر چنان رشد روزافزون داشته به طوری که بنگاه‌های اقتصادی زودبازده و بزرگ را به سوی انحلال سوق داده یا باعث کندی حرکت اقتصادی می‌گردد. جرایم اقتصادی عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند.

قرآن کریم نگاه ویژه‌ای به مسئله فساد و به ویژه فساد اقتصادی دارد و در آیات متعددی به این مسئله اشاره نموده است. در آیه ۲۸ سوره قصص، قارون را به عنوان یکی از مفسدان اقتصادی به مرگ محکوم می‌کند و به زمین فرمان می‌دهد باتلاق گونه، او و خانه‌اش را در کام خود فرو برد. به نقل از معصومین (ع)، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. امام علی (ع) با اولویت بخشی به جرایم اقتصادی و انجام اقدامات پیشگیرانه، تاسیس نهادهای نظارتی، اتکا به گزارش‌های مردمی و در نهایت استفاده از ابزارهای سرکوبگرانه، به مبارزه گسترده‌ای با مفسد اقتصادی در جامعه دست زد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

برای جرایم اقتصادی عناوینی چون مفسد اقتصادی، جرایم یقه سفیدها (که مقام مرتکب وجه تس‌میه قرار گرفته است) و اصطلاح جرایم سازمان یافته (جرایمی که هدف و غایت آن کسب قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می‌پیوندد و نیاز به برنامه ریزی دارند)، و... به کار می‌رود. این جرایم نوعاً جنبه فراملی دارند. به همین دلیل است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون در سطح سازمان ملل متحد دو کنوانسیون پالرمو و مریدا به تصویب رسیده که موضوع آنها جرایم اقتصادی و مالی است. در راستای همین دغدغه و برای توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری سالم و گسترش مالکیت عمومی و تعاونی و حفاظت و حراست از سرمایه ملی، ولی امر مسلمین در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با مفسد اقتصادی را خطاب به قوای حاکم در جامعه صادر فرمودند که بر مبنای آن، هر یک از قوای حاکم در نظام مأمور به اجرای آن هستند.

فساد اقتصادی به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان غنی و فقیر را افزایش می‌دهد که برای مرفهان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. فساد اقتصادی شرایطی را فراهم می‌نماید که در سایه آن، دیگر انواع جرایم تسهیل می‌یابند. بدون





شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلال‌گران در نظام اقتصادی و مجرمین اقتصادی است. مبارزه با جرایم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می‌شود و هم از آثار تبعات مضر اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند. اهمیت این جرایم در کشور نیز موجب شکل‌گیری ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی شده است. علاوه بر آن قوه قضائیه مجتمعی را برای رسیدگی به جرایم اقتصادی اختصاص داده است. این مجتمع دارای ۴ رکن دادسرا، دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر و شورای مشورتی می‌باشد. که به پرونده‌های جرایم اقتصادی ۱۰ میلیارد ریال و بیشتر رسیدگی می‌کند.

ضرورت مطالعه جرایم اقتصادی را می‌توان در آگاهی از قوانین متفرقه، اولویت سیاست جنایی ایران که مبارزه با این جرم است، تحولات سیاسی و اقتصادی کشور و به موازات آن نیاز به قوانین جدید و روزآمد کردن حقوق کیفری ایران، آمار بالای ارتکاب جرایم اقتصادی، پیچیدگی این جرایم، آثار مخرب و جهانی این جرایم و ... احصاء کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان منشور ملت در اصول متعددی به بحث پیشگیری از فساد مالی اشاره شده است. در اصل چهارم قانون اساسی مقرر گردیده که «تمام قوانین و مقررات اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و ... باید بر اساس موازین اسلامی باشد». بدیهی است در دین مبین اسلام هیچ‌گونه جایگاهی برای امور مفسده‌دار و نامشروع شناخته نشده و همین امر سبب می‌گردد قوانین منطبق با موازین مذکور، سلامت اقتصادی و مالی جامعه را تنظیم و از بروز فساد جلوگیری نماید. یکی از اصول کلیدی قانون اساسی در مورد پیشگیری از ارتکاب جرائم اقتصادی، توسط مسئولان کشور «اصل صد و چهل و دوم» این قانون می‌باشد که طبق آن «دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسران و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد». قانون اساسی براساس این اصل، یکی از راه‌های پیشگیری از مفاسد اقتصادی را در کشور، کنترل و بررسی اموال و دارائی مسولان قبل و بعد از دوران خدمت آنها می‌داند. در برخی از کشورها که تجربیات مناسب و مثبتی از کاهش نرخ فساد و ارتقاء سطح سلامت حکومت دارند، یکی از مهمترین اقدامات صورت گرفته، نظارت بر اموال و دارائی مسئولان و ایجاد شفافیت مالی است.

خلاصه آنکه ایجاد نظم در جامعه، بستگی به تدبیر مناسب در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی دارد. ایجاد نظم در هر یک از قلمروهای فوق‌الذکر با سیاستگذاری مناسب در سطح کلان و اساسی و تدوین اصول راهبری در سطح حکومت



و نیز باقانونگذاری مناسب در سطح بعدی، در سطح خرد نظارت و برخورد با متخلفین و پاسخهای مناسب از سوی قوه قضائیه و قاطعیت و تدبیر در اجرا و همچنین فرهنگ سازی همراه باشد تا به نتیجه مثبت بیانجامد. حوزه‌های گوناگون فوق الذکر با یکدیگر تعامل داشته و عدم تدبیر مناسب در هر یک از سطوح، در حوزه‌های دیگر تأثیر گذار است. در این زمینه نقش حوزه اقتصادی به دلیل برخورد مستقیم با معیشت مردم، اساسی بوده به نحوی که به نقل از معصومین، ناسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اختلال در حوزه‌های دیگر زندگی میشود، بلکه معاد انسانها را تحت تأثیر قرار میدهد. (من لامعاش له لا معادله؛ کاد الفقر ان یكون کفرا) بنابراین تفکر و اندیشه است که در حوزه اقتصاد تدوین چارچوبهای اقتصادی اسلامی - ایرانی و تلاش حقوقدانان در کنار اقتصاد دانان در تدوین یک سیاست جنایی (نه صرفاً سیاست کیفری) میتواند در نظم دهی به این قلمرو مفید باشد.

مبانی نظری

جرم شناسی اقتصادی یعنی «مطالعه علل ارتکاب جرایم اقتصادی و مطالعه شخصیت مرتکب جرم اقتصادی» و به تفصیل یعنی جرم شناسی تک تک جرایم اقتصادی که به مطالعه یک جرم اقتصادی به طور خاص و علل ارتکاب آن می پردازد. به طور کلی عوامل متعددی موجب اهمیت جرایم اقتصادی شده است. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه بخشی، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرایم اقتصادی بر رقابت پذیری اقتصاد، مطالبات مقام معظم رهبری، الزامات سند چشم انداز و قوانین برنامه‌ای؛ همه و همه از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی را افزایش داده‌اند. با شناخت جرایم اقتصادی توسط معیارهای جرم‌شناختی مبنایی، بحث را از حیث علت شناسی جرایم اقتصادی و جامعه شناسی کیفری این نوع جرایم ادامه می دهیم. در این راستا جرم‌شناسی نظری مبین آموزه‌هایی است که به اختصار به تشریح آنها پرداخته می شود.

۱- نظریه‌ی روان شناختی (ژان پیناتل): «بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت به شمار می رود. او عقده‌ی خود را با خرید کالاهای اشرافی مثلاً استفاده از خودروهای آخرین سیستم نشان می دهد. ولی در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساس برانگیز است مخفی می نماید. مثلاً به منظور عدم پرداخت مالیات اموال آنها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل



می‌کند.» ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کند قضاوت و تحلیل می‌کند. مثلاً کارمندی که اراده‌ی ارتکاب جرم دارد ولی کنترل‌های قانونی و اداری مانع این امر می‌شود.

۲- نظریه فشار مرتن: «بزهکاران اقتصادی وسایل قانونی را، به منظور دست‌یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست‌یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می‌خواهد در مسابقات وزنه برداری مقام نخست را کسب کند ولی به دلیل عدم تمرین به دوپینگ متوسل می‌شود. خلایق بزهکار اقتصادی به واسطه‌ی شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می‌گردند که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و عدم احساس پایبندی قرار می‌دهد. هر چقدر این شکاف بیشتر باشد بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می‌شود.» مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند که جامعه به وجود آورده است و معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر نماید و امکان دستیابی را برای همه فراهم نماید. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد غیردولتی است. زیرا در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می‌شود.

۳- نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی: هر چه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است. (نظریه‌های گایس و نظم اجتماعی و فردی مری دلماس مارتی). دلایل ارتکاب جرم از دیدگاه این نظریه عبارتند از استفاده‌ی ناخواسته‌ی قدرت‌های بزرگ از شرکتها و صاحبان سرمایه (در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تامین می‌شود)؛ به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرایم آنها با اغماض برخورد می‌شود؛ محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد؛ رسیدگی به این جرایم به اهل فن واگذار که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرایم می‌شود و ...

۴- نظریه‌های چندعاملی: این نظریه جرم را نتیجه‌ی تعامل عوامل مختلف می‌داند. الف- نظریه‌ی فونتان: وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمان اقتصادی معرفی می‌کند و در انگیزه سه عامل را موثر می‌داند: ۱- عوامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته‌ی ناموفق و ... ۲- عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت اندوزی



کند. ۳- عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زنند. ب- نظریه‌ی کوراکیس: وی جرایم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه‌ی شهرها و توسعه‌ی صنعت و فن آوری که مسوولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌دارد. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب می‌کند و فن آوری نوین که به ابزاری برای جرایم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند. عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبان این جرایم است که او را به سمت سوء استفاده به موقع از سادگی بزه دیدگان سوق می‌دهد. ج- نظریه‌ی بائر: این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرایم تکیه دارد و ضمانت اجرای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که این عوامل عبارتند از: ۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت‌های این جرایم. ۲- ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست، آنها در تدوین لوایح اثرگذارند و با خدماتی که به محافل قدرت می‌کنند. توقعاتی از این مسوولان دارند. ۳- موقعیت اجتماعی بزهکاران که موقعیت اعتمادساز است و می‌تواند جرم‌زا باشد. ۴- فن آوری که باعث سهولت ارتکاب این جرایم توسط افراد صاحب فن شده است. ۵- جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است. اول آنکه جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی متبلور شده است و با ورود این شرکت‌ها به کشورهای، ارزش‌های اقتصادی دگرگون می‌شود. دوم جهانی شدن اقتصاد زمینه‌ی سوء استفاده‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

۵- نظریه‌های مرتبط با محیط اجتماعی: مطابق این نظریه‌ها ۱- تاثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری اقتصادی: در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود. در این کشورها با مجرمان یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان در کی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بالا است. برخلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه‌ای کاهش می‌یابد و جرایمی که ریشه‌ی آنها غالباً اقتصادی است چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و... رو به افزایش است. ۲- تاثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی: نوسانات



بزهکاری تا اندازه‌ی زیادی تحت تاثیر اقدامات قوه‌ی مقننه است. زیرا با یک جهت گیری اقتصادی توسط آن ارزش‌های جدیدی به وجود می‌آورد که نقض آنها جرم انگاری می‌شود و بر تعداد مجرمان می‌افزاید. برعکس چنانچه یک سلسله جرایم را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می‌آید (محمدی، علی، ۱۳۹۰: ۹۸ - ۱۲۷).

از نظر جامعه شناسی کیفری، ساختار و نظام حقوقی از یکسو و چارچوب نظام قضایی کشور دارای کارکردهای متعدد و گاه متناقضی است. بر این اساس یک نظام حقوقی یا قضایی می‌تواند علاوه بر برخورداری از کارکردهای مطلوب، از برخی جهات دارای کارکردهای منفی و جرم زا نیز باشد.

از سویی علاوه بر کارکردهای طبیعی دستگاه‌های دخیل در امر مبارزه با جرایم اقتصادی، عدم طرح به موقع شکایت، عدم اقدام و همکاری شایسته دستگاه‌ها در پی گیری جرم، عدم حضور و مشارکت جدی نمایندگان حقوقی دستگاه‌های اجرایی در فرآیند رسیدگی دادگاه‌ها، عدم تقدیم به موقع دادخواست ضرر و زیان این نقایص و آسیب‌ها منجر به عدم تحقق اهداف حقوقی مبارزه با فساد و عدم مجازات شایسته متخلفان و تضییع حقوق دولتی و عمومی شده است.

مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره مندی مفسدان اقتصادی، از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است. از سوی دیگر کمبود مکانیزم لازم در مورد نظارت کافی بر عملکرد مراکز اقتصادی کشور توسط وزارت اطلاعات و سازمان بازرسی کل کشور به ترتیب به عنوان بازوی نظارتی قوه مجریه و قضاییه و عالی ترین نهادهای نظارتی کشور کاملاً مشهود است. از سوی دیگر مقررات قانونی لازم و سیستم اداری کارآمدی در الزام مدیران و مسئولان به ثبت و اعلام صحیح و کامل دارایی خود به قوه قضاییه و نیز ایجاد ابزارهای لازم امکان شناسایی ثروت و اموال آنان در صورت عدم اعلام آن و کتمان میزان ثروت خود، وجود ندارد. از دیگر دلایل حقوقی گسترش مفاسد اقتصادی در ایران این است که قوه قضاییه به قوانین متروک یا اصول و قوانینی که در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور ناقص اجرا شده توجهی ندارد. از جمله این قوانین می‌توان به قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی کشور (مصوب ۱۳۶۳)، اصل ۴۲ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹) اشاره کرد (دباغی، صدیقه، ۱۳۹۰: ۶۷).

راهکارهای حقوقی مبارزه با این پدیده را می‌توان به دو محور راهکارهای پیشگیرانه و راهکارهای درمانی تقسیم کرد. مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه بایستی وظایف خود را در دو



بخش پیشگیری و مجازات مجرمین به طور همزمان و به موازات هم انجام دهد. اجرای پروژه‌های پژوهشی در جهت ریشه‌یابی علل وقوع جرایم اقتصادی از منظر قضایی و یافتن راهکارهای مناسب برخورد با آنها یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه در جهت پیشگیری از مفاسد اقتصادی به شمار می‌آید. این امر قطعاً به تدریج به تهیه لوایح قانونی مناسب منجر خواهد شد که خلاء مقررات قانونی جزایی را پر خواهد کرد. بازسازی ساختار قضایی و اداری قوه قضاییه و نیز منابع نیروی انسانی قضایی و اداری و تربیت و تقویت و جذب قضات شجاع و مستقل از دیگر اقدامات زیربنایی است که به ریشه کن کردن مفاسد به طور اعم و مفاسد اقتصادی به طور اخص منجر خواهد شد. در حال حاضر بازسازی و اصلاح و تقویت ساختار دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور به عنوان دو بازوی اصلی قوه قضاییه برای مقابله با فساد اقتصادی و اعطای اختیارات بیشتر به وزارت اطلاعات در این ارتباط بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

اما در مقابل راهکارهای فوق که به عنوان موارد پیشگیری برشمرده شد راهکارهایی نیز وجود دارند که جنبه درمانی دارند. برخورد قضایی قاطع با مجرمان اولین و مهم‌ترین راهکار این بخش است که دستگاه قضا باید با قاطعیت آن را دنبال کند. در زمینه بازنگری در قوانین کیفری در ارتباط با برخورد قانونی با جرایم مفاسد اقتصادی به نظر می‌رسد کمبود قانون جزایی نقش اساسی ندارد بلکه با قوانین جزایی موجود هم امکان برخورد قضایی فراهم است ولی ضعف در اجرا از ناحیه برخی قضات وجود دارد. تشکیل دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی و همچنین تقویت و تحکیم شأن قضات و کارمندان قوه قضاییه از حیث مادی و معنوی به منظور دست‌یابی بر قابلیت و توانایی بیشتر این قوه در برخورد با این مفاسد از دیگر راهکارهای عملی در این راستا می‌باشد. توسعه و تقویت همکاری واحدهای حراست مراکز اقتصادی و مؤسسات بانکی، پولی و مالی با وزارت اطلاعات هم قطعاً موجبات کمک به کشف جرایم اقتصادی و مخل اقتصاد و امنیت عمومی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر اجرای قوانین متروک یا مقرراتی که به طور ناقص اجرا شده مانند قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور قوانین مناسبی هستند که هنوز به مرحله اجرا درنیامده‌اند) متنی نژاد، صادق، ۱۳۸۷: ۳۲).

مفهوم‌شناسی جرایم اقتصادی

ورود در هر بحثی، مستلزم شناخت تعریف، مشخصات و قلمرو آن بحث است. بدون در نظر



گرفتن چنین امری، احتمال سرگردانی در قلمرو بحث وجود دارد. لذا ابتدا به مفهوم جرایم اقتصادی و سپس به مفهوم سیاست جنایی پرداخته می‌شود تا موضوع بحث روشن شود. (1) جرایم اقتصادی؛ ابتدایی‌ترین مشکل در خصوص جرایم اقتصادی مشکل تعریف آن است. چندین دهه است که موضوع تعریف جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف و خصوصاً در کشورهای توسعه یافته موضوع بحث و نقد بوده و تئوری‌های مختلفی در این راستا ارائه شده است، لکن در این خصوص به هیچ تعریف واحدی دست نیافته‌اند. علت این امر بخاطر آن است که خود عنوان اقتصاد، لفظی عام است که حتی اقتصاددانان تا کنون نتوانسته‌اند تعریفی جامع و مانع از آن ارائه دهند و به همین خاطر ارائه تعریفی از جرایم اقتصادی دشوار می‌باشد، کما اینکه این دشواری در مورد تعریف مفاهیمی چون جرایم سیاسی یا جرایم فرهنگی نیز مشاهده می‌شود. با این حال برای جرم اقتصادی تعاریف متعددی ارائه گردیده است. که حاکی از عدم وجود اجماع در تعریف این جرم است. از آن جمله می‌توان به تعاریف زیر اشاره نمود: «جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی می‌باشد. این تعریف هم‌چنین شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است.» (1: 2-Sjogren, 2004).

«جرایم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد کرده یا آن‌ها را به خطر می‌اندازند» (1: 2-Tiedman, 1976). «جرم اقتصادی جرمی است که به منظور کسب سود و از طریق نقض اعتمادی که اساس روابط بین مرتکب و بزه‌دیده را تشکیل می‌دهد، ارتکاب می‌یابد. این جرم در چارچوب فعالیت اقتصادی رخ می‌دهد. عملیات تجاری شرکت‌ها خود قانونی هستند، اما مقررات حاکم بر این عملیات‌ها به منظور کسب پول یا کاهش هزینه، با ارتکاب جرایمی چون جرایم مالیاتی، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده یا جرایم زیست‌محیطی یا جرایم ناقص قوانین حاکم بر محیط کار نقض می‌شود. بنابراین جرم اقتصادی جرمی است که در مراکز تجاری و سایر سازمان‌ها ارتکاب می‌یابد».

مبرهن است جرم اقتصادی در هیچ کدام از تعاریف فوق به طور کامل تعریف نشده و هر کدام از آن‌ها به یک جنبه‌ی آن توجه کرده است. در تعریف اول، به حرفه‌ای بودن. در تعریف دوم، به غیرحقیقی بودن بزه‌دیده و سرانجام در تعریف سوم، به بستر ارتکاب این جرایم، توجه شده است. در

1.(The Swedish National council for Crime Prevention initiative on research in to Economic Crime, 1998-2002:6).



ایران نیز در مورد جرایم اقتصادی یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد و با این وصف، در حقوق داخلی هیچ گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد. ولی به نظر می‌رسد که برای تحقق جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل زیر ضروری است (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۵: ۳۴).

۱. وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می‌گیرد. در سازمان‌های مافیایی که ذاتاً مجرمانه‌اند جرم اقتصادی نداریم.
۲. عدم استفاده از خشونت.

۳. جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه‌ی هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبان و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. این بزهکاران برای جامعه خطرناک ترند چون هم جامعه پذیرند هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند.

۴. اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبان به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

با این اوصاف و با در نظر گرفتن ایرادهای مطروحه می‌توان جرم اقتصادی را چنین تعریف کرد «جرایم اقتصادی هرگونه رفتاری است که عملکرد نهادهای اقتصادی، بازار مالی، بازار کالا و خدمات، بازارهای عوامل تولید، نهادهای مرتبط با اقتصاد مانند گمرک و وزارت بازرگانی یا فرآیندهای میان نهادی آن را یا یکی از ارزش‌های بنیادین ثبات شفافیت، رقابت یا اعتمادپذیری در اقتصاد را از بین برده یا دچار اختلال می‌کند». یا «جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که با انگیزه‌ی کسب سود یا امتیاز مادی، در بستر نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل‌ونقل و مصرف) و علیه آن ارتکاب می‌یابد، که در نتیجه موجب اختلال در چرخه نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.» در تعریف اخیر به سه مؤلفه انگیزه، بستر ارتکاب این جرایم و بزه‌دیده جرم توجه شده و سعی بر آن بوده که تعریف مانع و جامعی ارائه شود. ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی و مرتکبین این جرایم

مرتکب جرم اقتصادی از یک جهت به دلیل اینکه دارای توانایی در انطباق با هنجارهای اجتماعی است و از جهت دیگر به دلیل خطرناکی زیاد، در دسته مجرمین حرفه‌ای و نیز مجرمین یقه سفید قرار می‌گیرد. مجرمین حرفه‌ای همچنانکه از نامشان پیداست در ارتکاب رفتارهای مجرمانه دارای کیاست و هوش بالایی بوده و جرم را به مخفیانه‌ترین و پیچیده‌ترین شکل ممکن انجام می‌دهند. مجرمین حرفه‌ای به سبب ویژگی انطباق اجتماعی بالا، در ظاهر هنجارهای اجتماعی و اوامر و



نواهی قانون را پاس داشته و به آن احترام می‌گذارند و حتی نسبت به آنها تعصب نیز دارند. رعایت هنجارهای اجتماعی و رفتار ظاهری مرتکبان جرم اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. در کشورهایی نظیر ایران، مجرمین حرفه‌ای سخن از حرام و حلال می‌کنند، دم از قانون می‌زنند، از علل پیشرفت غرب و روراستی آنها دفاع می‌کنند یا اینکه ذکر می‌گویند و دیگران را از روز آخرت و حساب بر حذر می‌دارند و حرمت خوردن یک لقمه از بیت المال را نیز تذکر می‌دهند. اینان جایگاه ممتازی در میان مردم یافته و به مرور به الگوهای مدیریتی اخلاقی و مذهبی تبدیل می‌گردند به طوری که نه مردم را یارای تفکر در عمق رفتار و پندارشان است و نه ضابطان را شکی بر عملکرد آنها بر می‌انگیزد.

از اینرو می‌توان ورود اصطلاح مجرمین یقه سفید در مطالعات جرم‌شناختی و سپس در حقوق کیفری را نقطه عطفی از حیث تغییر جهت‌دهی تفکر حاکم بر حقوق کیفری سنتی محسوب کرد. حقوق کیفری به تدریج پذیرفت که جرایم اقتصادی به دلیل ماهیت ویژه آنها و این که ناظر به دستگاه‌های متولی امور اقتصادی کلان در جامعه هستند عمده‌تاً توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابند که به نوعی متنفذ بوده و در طبقه بالای اجتماعی قرار داشته و از امکانات و فرصت‌های اقتصادی و نفوذ اجتماعی و اداری خود جهت ارتکاب جرایم اقتصادی بهره می‌جویند. همچنین از آنجا که جرایم اقتصادی تحت پوشش سمت اداری مرتکب انجام می‌گیرند، در ظاهر امر اساساً ما شاهد وقوع جرم نیستیم و این بیانگر رویت پذیری پایین جرایم اقتصادی است به گونه‌ای که در بادی امر به نظر می‌رسد شخص مرتکب در انجام جرم اقتصادی صرفاً از اختیارات و امکانات موجود در ساختار نهاد اقتصادی که در آن مشغول به فعالیت اقتصادی است، استفاده کرده است (شیشیدو، ۲۰۰۰). وانگهی حتی خود مرتکبین جرایم اقتصادی نیز در اظهارات خود در خصوص جرایم ارتكابی شان اینگونه بیان می‌دارند که آنان صرفاً از خلاءهای موجود در قانون استفاده کرده‌اند و نه علیه قانون. بدین ترتیب مرتکبین جرایم اقتصادی این مسأله را که فعالیت اقتصادی آنها واجد وصف مجرمانه می‌باشد، انکار می‌نمایند. جرایم اقتصادی نوعاً در یک بستر اقتصادی ساختارمند و به ظاهر قانونی ارتکاب می‌یابند و چون در واقع مجرمین اقتصادی به نحوی مرتکب جرم می‌شوند که گویا از فضاهای نامرئی موجود در قانون بهره گرفته‌اند و نه از نقض قانون، نه تنها جرایم آنان با تقبیح عمومی مواجه نمی‌شود، بلکه بعضاً جامعه آنها را نوعی هوشمندی تحسین‌آمیز تلقی می‌کند (شوور و هوچستلر، ۲۰۰۵).

از حیث مولفه‌های شخصیتی، مرتکبین جرایم اقتصادی از ضریب هوشی بالایی برخوردار بوده و



عمدتاً شیوه ارتکاب جرم آنان عاری از هرگونه خشونت و توسل به زور است، به نحوی که این جرایم با استفاده از هوش و اصطلاحاً فسفر مغز آنان ارتکاب می‌یابد و از آنها تحت عنوان جرایم قلمی یاد می‌شود. متنفاً بودن و تعلق مجرمین اقتصادی به طبقه بالای جامعه باعث می‌شود که جامعه علیرغم ارتکاب جرم از سوی آنان، برچسب مجرمانه را بر آن الصاق ننماید (روبرتس و استالانس، ۲۰۰۰). بدین سان، عمدتاً در جرایم اقتصادی به دلیل خصایص ویژه مرتکبین آنها، رقم سیاه این جرایم بسیار بالا است. افراد جامعه حتی نسبت به گزارش دهی جرایم اقتصادی گرایش ندارند، زیرا از منظر افکار عمومی و فرهنگ غالب حاکم بر جامعه تصور اینکه اشخاص دارای مناصب اجتماعی بالا مبادرت به ارتکاب جرم نمایند، کمتر مورد توجه بوده و لذا میزان گزارش دهی این جرایم نیز رقم پایینی دارد (روبرتس و همکاران، ۲۰۰۳).

مجرمین اقتصادی که از حیث شخصیتی نوآور هستند به این سمت گرایش می‌یابند که جهت حصول اهداف اقتصادی به شیوه‌های غیر قانونی یا به زعم خودشان خلاءهای قانون متوسل شوند بدن ترتیب در خصوص مجرمین اقتصادی در برخی موارد بیان این نکته بسیار دشوار و گاهی تا صدور حکم دادگاه ناممکن است که آیا در این کار، چیره دستی به کار رفته و شایسته تمجید است یا دغل کاری در خور کیفر؟ بنابراین، وجود خصیصه نوآوری در شخصیت مرتکبین جرایم اقتصادی منتهی به این نتیجه می‌شود که آنان از آنجا که تمایل به دست یابی به اهداف بالای اقتصادی در ساختار اقتصادی جامعه دارند، امکانات و فرصت‌های قانونی موجود در جامعه برای نیل به چنین اهدافی را کافی نمی‌دانند، لذا از رهگذر نوآوری و ابتکار خود تلاش می‌کنند تا هم با ارتکاب جرایم اقتصادی یعنی توسل به وسایل غیر قانونی به اهداف اقتصادی مدنظر خود دست یابند و هم آن را در قالب نوعی زرنگی تحسین آمیز و حسن استفاده از قانون نمودار سازند و نه نقض قوانین موجود (گیس و دیمنتو، ۲۰۰۲).

با عنایت به مطالب صدرالذکر مبرهن است که جرایم اقتصادی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. لذا کشف و تحقیق در مورد این جرایم با دشواری‌های خاصی روبه‌رو می‌باشد. مضافاً آنکه:

الف) مجرمان اقتصادی با اشراف به اطلاعات، مانند یک کارشناس عمل می‌کنند و بهتر می‌توانند جرم‌شان را مخفی نمایند. این موضوع به جرم اقتصادی، پیچیدگی خاصی می‌بخشد که حل و مستندسازی آن را بسیار دشوار می‌نماید.

ب) جرایم اقتصادی با موقعیت و شغل مرتکبان ارتباط تنگاتنگ دارد و در محیط کاری ارتکاب می‌یابد. از این رو، نامریبی هستند، بدون این که دستگاہ‌های اطلاعاتی و ضابطان و اذهان



عمومی را تحریک نمایند مخفی نگه‌داشته می‌شوند. این جرایم از نظر جرم‌شناسی عمدتاً آپارتمانی با رقم سیاه بالا هستند.

پ) جرایم اقتصادی با سوءاستفاده از اعتبار و اعتمادی که شغل قانونی مرتکبان ایجاد می‌کند، ملازمه دارد.

ت) مرتکبان این جرایم، گاه زنجیره‌ی انسانی مرکب از بزه‌کاران متخصص و سازمان‌یافته را تشکیل می‌دهند و چنان‌که به وقوع بپیوندند مسؤلیت کیفری بین آن‌ها توزیع می‌شود. ث) بزه‌دیدگی در این جرایم، غیر ملموس و بزه‌دیدۀ در واقع غیرشخصی و اعتباری است، مانند نظام اقتصادی، بهداشت و اعتماد عمومی.

ج) آثار این جرایم مستمر است و در طول زمان جلوه‌گر می‌شود. برای مثال در مورد جرم تبلیغات خلاف واقع، بزه‌دیدۀ آنی وجود ندارد و مصرف‌کننده و متعاقباً اقتصاد کشور در طول زمان از بزه‌دیدگی خود، آگاه می‌شوند. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۴: ۲۲۵۹-۲۲۵۲).

مصادیق جرایم اقتصادی

در حال حاضر حدود دو هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری کشور وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند از مصادیق جرایم اقتصادی به شمار آیند، اما مهم‌ترین جرایم اقتصادی عبارتند از:

۱. قاچاق کالا و ارز ۲. پولشویی ۳. احتکار ۴. ربا و رباخواری ۵. رشا و ارتشاء ۶. اخلال در نظام پولی و یا ارزی کشور ۷. اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی ۸. اخلال در نظام تولیدی کشور ۹. قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی ۱۰. تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری ۱۱. اخلال در نظام صادراتی کشور ۱۲. تشکیل شرکت‌های هرمی ۱۳. جرایم مالیاتی ۱۴. جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس) ۱۵. سوءاستفاده از مقام و موقعیت شغلی ۱۶. حیف و میل و اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام‌های دولتی ۱۷. اخاذی ۱۸. تقلب و کلاهبرداری ۱۹. تبانی در انجام معاملات دولتی ۲۰. تقلب و فریبکاری در معاملات دولتی ۲۱. مداخله در انجام معاملات دولتی ۲۲. عدم رعایت ضوابط برگزاری مزایده و مناقصه ۲۳. حساب‌سازی با تنظیم صورتحساب و دفاتر غیرواقعی ۲۴. تخلف از قانون و تحصیل مال از طریق نامشروع ۲۵. قاچاق کالا و ارز ۲۶. اخذ پورسانت ۲۷. اعمال نفوذ خلاف مقررات برای نفع خود یا دیگران ۲۸. تخلف از قانون اخلال در نظام اقتصادی ۲۹. اخذ وجه یا مال مازاد بر مقررات و برخلاف قانون ۳۰. سوءاستفاده از اطلاعات سازمان،



جایگاه یا وظایف یا قصور در اجرا به نفع خود یا دیگران یا کسب امتیاز ۳۱. تبانی در معاملات و قراردادها ۳۲. اعطای مجوزهای غیرقانونی یا تبعیض آمیز یا براساس روابط نامشروع و غیرقانونی ۳۳. سوءاستفاده از اختیارات قانونی. ۳۴. دارا شدن من غیر حق و افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مأمور دولتی که به صورت معقول نمی‌تواند ناشی از درآمد قانونی باشد. ۳۵. تطهیر عواید ناشی از جرم (پول شویی) ۳۶. اختفاء جرایم یا اموال ناشی از جرایم یادشده و ممانعت از اجرای عدالت ۳۷. تبانی در واگذاری‌ها، خصوصی‌سازی، امتیازات دولتی و بورس و رانت خواری ۳۸. و ...

تفاوت جرایم اقتصادی با سایر جرایم مشابه

با اینکه جرایم اقتصادی طیف وسیعی از جرایم را در برمی‌گیرد و از جهات بسیاری دارای وجوه تشابهی با سایر جرایم می‌باشند اما باید توجه داشت که تفاوت‌های عمده‌ای نیز با این جرایم دارند. موضوع جرایم اقتصادی، کلیت جامعه و اختلال در نظم اقتصادی کشور است در حالی که جرایم علیه اموال، علیه حقوق مالکانه یا علیه خود مال ارتکاب می‌یابند (مانند اختلاس و خیانت در امانت). هدف از جرم انگاری جرایم اقتصادی، حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور است و هدف از جرم انگاری جرایم علیه اموال، حمایت کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است. آثار جرایم اقتصادی دامن‌گیر اکثریت افراد جامعه می‌شود و متضرر این جرایم عموم مردم هستند؛ در حالی که متضرر جرایم علیه اموال، شخص یا اشخاص معین هستند. از سویی جرایم اقتصادی به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی آن عمدتاً غیرقابل گذشت محسوب می‌شوند در حالی که برخی از جرایم علیه اموال غیر قابل گذشت و برخی دیگر قابل گذشت هستند. به همین دلیل، تعقیب و محاکمه مرتکبان جرایم اقتصادی منوط به طرح شکایت توسط شاکی خصوصی نیست و دادسرا به طور مستقیم مکلف به تعقیب متهم است. از نظر گستره بین‌المللی، برخی از جرایم اقتصادی مانند پولشویی از جمله جرایم سازمان یافته و بین‌المللی محسوب می‌شوند که در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند و معاضدت و همکاری بین‌المللی برای مبارزه با آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ در صورتی که جرایم علیه اموال عمدتاً جنبه داخلی داشته و جرم بین‌المللی به حساب نمی‌آیند. باید توجه داشت که در برخی مواقع، گسترده‌گی جرایم علیه اموال باعث می‌شود که در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد کند و به تبع آن عنوان جرم اقتصادی را کسب نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۱). در حیطه مفسد اقتصادی می‌توان بیان داشت که منظور از مفسد مالی، فساد مالی کارکنان دولت نسبت به اموال دولتی یا اموالی است که در اختیار دولت است یا جرایمی که کارمندان



و کارکنان دولت در راستای انجام وظایف قانونی خود انجام می‌دهند و جنبه مالی دارند مانند اختلاس، ارتشاء، تصرف غیرقانونی، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ پورسانت و...؛ اما موضوع جرایم اقتصادی لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال نیست و هرگونه اقدامی که به اقتصاد کشور لطمه بزند هر چند که مال موضوع جرم متعلق به بخش خصوصی باشد، جرم اقتصادی خواهد بود و لازم نیست که مرتکب جرم اقتصادی، کارمند دولت باشد.

به طور کلی مفاسد اقتصادی جزو جرایم اقتصادی است. اولین و به عبارتی مهم‌ترین نکته در خصوص جرایم اقتصادی در این است که، مفاسد یا جرایم اقتصادی توسط هر مجرمی صورت نمی‌پذیرد. آن دسته از مجرمینی که توانایی ارتکاب به جرایم اقتصادی را دارند، دارای چند ویژگی هستند. اولین ویژگی این مجرمان هوش و ذکاوت بالاست که این مجرمان به مجرمان یقه سفید مشهورند. دومین ویژگی آنها، ارتباطشان با مناسب سیاسی، اقتصادی و گاه امنیتی است. وجود این دو ویژگی موجب شده تا پرونده‌های مفاسد اقتصادی از ابعاد گوناگونی با جرایم دیگر اقتصادی تفاوت‌هایی داشته باشد و بعضاً دست دادگاه‌ها برای برخورد و حتی یافتن سرخ‌هایی تا مدت‌ها در مواردی بسته بماند. مرتکبان جرایم دیگر اقتصادی به عنوان مثال کلاهبرداری، غالباً دارای یکی از این ارکان هستند، یعنی مجرمین آن‌ها فقط افراد باهوشی بوده و با ارکان قدرت ارتباطی ندارند. در صورتی که در جرایم اقتصادی به دلیل حجم بالای اموال غارت شده از بیت‌المال، مجرمان تحت پوشش اعمال مجرمانه خود و در مواقعی در مسائل مربوط به خیریه همچون مدرسه سازی هزینه می‌کنند و لذا در جامعه کسب اعتماد می‌کنند، عوام فریبی می‌کنند.

ویژگی‌های حقوق کیفری اقتصادی

ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. لذا حقوق کیفری اقتصادی گسترده تر است. ولی، در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است در صورت ضرورت تخلفات اقتصادی با ضمانت اجراهای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می‌شود. در این بخش از مقاله ابتدا حقوق کیفری اقتصادی ماهوی و سپس شکلی را بررسی می‌کنیم. در بخش حقوق کیفری ماهوی، سه عنصر قانونی، مادی و معنوی این جرایم مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنصر قانونی این جرایم را در دو بعد داخلی و بین‌المللی تشریح می‌نماییم. از نظر حقوق کیفری ماهوی براساس تقسیم بندی معمول، عنصر قانونی، مادی و سپس معنوی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.



عنصر قانونی: در حقوق کیفری اقتصادی منابع ملی و فراملی متنوعی وجود دارد. در این قوانین برای تعیین مجازات نوعاً از فن ارجاع به دو شکل استفاده می‌شود؛ ۱- در متن قانون مقنن یک قاعده را وضع می‌کند و در پایان متن یک ماده مستقلی را به مجازات اختصاص می‌دهد. این به این معنی است که جرایم قبلی از نظر مقنن یکسان است که در قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳ به چشم می‌خورد. ۲- در یک ماده مقنن جرم را تعریف می‌کند ولی مجازات را در همان ماده نمی‌آورد بلکه در ذیل آن از عبارت «در حکم» استفاده می‌کند. این شیوه در کشور ما مرسوم است و ممکن است دو جرم هیچ رابطه‌ی ماهیتی نداشته باشند مثلاً در ماده‌ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی محاربه تعریف شده است و در جایی دیگر مقنن احتکار و گرانفروشی را در حکم محاربه می‌داند یا قاچاق انسان که این جرم را از مصادیق محاربه معرفی می‌کند. در برخی قوانین قالب کیفیت مشدد افساد فی الارض برای جرایم اقتصادی به کار برده شده است. از جمله ماده‌ی ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹. در حال حاضر جرایم اقتصادی در نظم کنونی حقوقی کشور ما در قوانین مختلفی احصاء شده است. مانند: قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸، قانون مجازات اسلامی، قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با مفاسد، قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و از دیدگاه بین‌المللی، موازین و مقرراتی در زمینه جرم اقتصادی در نظر گرفته شده است. به طور اختصاصی، دو سند بین‌المللی در رابطه با جرایم اقتصادی وجود دارد که عبارتند از:

۱- کنوانسیون پالرمو (سال ۲۰۰۰ میلادی): این کنوانسیون فقط به تعریف جرایم می‌پردازد و در خصوص جرایم اقتصادی معیاری به دست نمی‌دهد. البته ویژگی‌های جرم‌شناسی این کنوانسیون بسیار مهم به نظر می‌رسند که شاخص‌ترین آنها عبارتند از: ماده‌ی ۹ کنوانسیون، موانع اخلاقی شخصی و فردی را به عنوان پیشگیری غیر کیفری موثر در ارتکاب جرم می‌داند. در ماده‌ی ۳ نیز پیشگیری غیر کیفری فنی مدنظر قرار گرفته شده است که با تقویت افراد در معرض بزه دیدگی امکان ارتکاب جرم را از بین می‌برد. همچنین به بازپروری محکومان



اشاره شده است. ماده ۲۳ پیشگیری از پرداخت هزینه توسط مجرمان را مطرح می‌کند. ماده ۲۴ و ۲۵ نیز از بزه دیدگان جرایم سازمان یافته حمایت می‌کند.

۲- کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا (سال ۲۰۰۳ میلادی): جامعه بین‌المللی از دهه ۱۹۹۰ توجه ویژه‌ای به مبارزه با فساد نشان داده است. این موضوع سال‌هاست به یکی از مباحث اصلی در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. یکی از نتایج این توجه تدوین کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد بود که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید. این کنوانسیون به طور مستقیم به جرایم اقتصادی از جمله کسب ثروتهای نامشروع (ماده ۲۰)، پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری (ماده ۱۵)، اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)، تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳) و... پرداخته است. این کنوانسیون علاوه بر طرح اقدامات و تدابیر بازدارنده در برخی موارد جرم انگاری نموده و پیشنهادهایی به دولتهای عضو ارائه داده است. از نظر تدابیر بازدارنده، این کنوانسیون از طریق اعمال سیاست‌ها و روشهای پیشگیری در فساد مالی از فراهم شدن زمینه برای سوءاستفاده مجرمان پیشگیری می‌کند (پیشگیری غیر کیفری). ماده ۵ کنوانسیون تدابیر پیشگیری از فساد را مطرح می‌کند و در ماده ۶ تشکیل نهادهایی برای مبارزه با فساد و امکان اجرای تدابیر مذکور را پیش‌بینی کرده است. در ماده ۷ نیز تاکید شده که افراد واجد صلاحیت اخلاقی و توانایی علمی و عملی لازم برای این منظور انتخاب شوند. همچنین در این کنوانسیون از طریق توسل به نظام ضمانت اجراها (ماده ۱۲) امکان مشارکت عمومی در اعلام جرم (ماده ۱۳) و اصلاح و بازپروری بزهکاران (ماده ۲۰) صورت می‌گیرد (پیشگیری کیفری). از حیث جرم انگاری، در این کنوانسیون به هر ماده یک عنوان کیفری و ضمانت اجراهای اداری و انضباطی و صنفی ... اختصاص داده شده است در واقع تعریف جرم ارائه شده و مجازات را به حاکمیت‌ها واگذار کرده است.

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا از دولت‌های فعال در عرصه مذاکرات مربوط به کنوانسیون بوده و از تصویب آن به عنوان سازوکاری برای مبارزه با فساد در عرصه بین‌الملل حمایت کرده است. کشورمان در سال ۱۳۸۷ به کنوانسیون پیوست و هیات دولت نیز در سال ۱۳۸۸ وزارت دادگستری را مرجع ملی کنوانسیون در کشور تعیین کرد. هم‌اکنون وزارت دادگستری وظیفه تصدی امور مربوط به کنوانسیون و برقراری هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف داخلی برای اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون را برعهده دارد و یکی از ابزارهای مناسب برای مقابله با ضد انقلاب می‌باشد تا به جای بهره برداری از عنوان مجرمانه حساسیت برانگیز از ضمانت‌هنجارهای



پذیرفته شده این کنوانسیون استفاده نمود مانند تکیه بر فرار مالیاتی برای بی اعتبار نمودن شیرین عبادی. کنوانسیون، برخورد جامعی با موضوع مبارزه با فساد دارد و علاوه بر جرم انگاری انواع فساد به موضوع پیشگیری، بازگرداندن عواید ناشی از فساد و نیز همکاری بین المللی نیز توجه کرده است. همکاری بین المللی می تواند در زمینه های مختلف مانند انتقال تجربه در خصوص شناسایی و چگونگی مواجهه با مصادیق فساد، اشتراک اطلاعات و پرونده ها، استرداد مجرمان، معاضدت قضایی و نیز استرداد اموال ناشی از فساد صورت گیرد.

از مشکلات مهم کشور برای مبارزه با فساد، چگونگی استرداد اموالی بوده که از بیت المال یا اشخاص خصوصی به غارت رفته و به خارج از کشور منتقل شده است. از همین رو یکی از مباحث اصلی کنوانسیون که به همت کشورهای در حال توسعه در کنوانسیون گنجانیده شده، تعهد دولت های مقصد اموال ناشی از فساد به اعاده این اموال است. بدون بازگرداندن اموال و عوائد ناشی از فساد چرخه مبارزه کامل نخواهد بود. زیرا مهمترین بازدارنده مفسدان اقتصادی این است که بدانند اولاً به دام خواهند افتاد، ثانياً مجازات خواهند شد و ثالثاً اموالی که پنهان کرده یا به خارج فرستاده اند باز پس گرفته خواهد شد. در کنوانسیون مبارزه با فساد ساز و کارهای مناسبی برای اعاده اموال و عوائد ناشی از فساد وجود دارد که لازم است با افزایش ظرفیت های ملی حداکثر بهره برداری از آنها صورت گیرد (سرکشکیان، ۱۳۸۸: ۴۵).

یکی از ساز و کارهایی که برای تضمین اجرای مفاد کنوانسیون پیش بینی شده، فرایند مرور است. در این فرایند که با هدف اجرای بهتر کنوانسیون اجرا می شود، اجرای فصول کنوانسیون در دولت های عضو بررسی و نقاط قوت و ضعف آنها شناسایی می شود. وفق توافق دولت های عضو در سال ۲۰۰۹، مرور در دو دوره پنج ساله خواهد بود. در دوره پنج ساله اول اجرای فصول سوم و چهارم درباره جرم انگاری موارد فساد و همکاری بین المللی و در دوره پنج ساله دوم اجرای فصول دو و پنج درباره پیشگیری و استرداد اموال ناشی از فساد مرور خواهد شد.

پس از بررسی عنصر قانونی (ملی و بین المللی) جرایم اقتصادی، دیدگاه حقوقدانان و جرم شناسان در مورد عنصر مادی و معنوی این جرایم مطرح می گردد. عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر به صورت رفتار فیزیکی فعل و گاهی ترک فعل رخ می دهد مثل عدم ثبت شرکت ها، عدم وجود نظم در دفاتر حسابداری و... عنصر معنوی جرایم اقتصادی نیز نوعاً مفروض است و بیشتر جنبه مادی صرف دارند زیرا حرفه ای بودن صاحبان مشاغل با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد. مجازات ها جرایم اقتصادی بیشتر به صورت جریمه های نقدی و مجازات مالی، ضبط و مصادره ی



اموال پیش‌بینی می‌شود. علت مالی بودن مجازات‌ها نیز این است که معمولاً مرتکبان این جرایم به دنبال سود و درآمد اقتصادی‌اند. مثلاً در جرایم تعزیرات حکومتی ارقام جریمه به ۲۰ میلیارد تومان می‌رسد. البته در کنار آن محرومیت از حقوق اجتماعی هم وجود دارد مثل تعطیلی موقت، محرومیت از شرکت در مناقصه و... اگرچه در مواردی نیز شاهد پیش‌بینی مجازات محارب و مفسد فی الارض برای مفسدان کلان اقتصادی کشور نیز هستیم.

از نظر آیین دادرسی (حقوق شکلی) نیز در رسیدگی به جرایم اقتصادی به دلیل تاثیر منفی که بر افکار جامعه به جا می‌گذارد باید با رویکردی متفاوت در محاکم مورد رسیدگی قرار گیرد. از مصادیق اولیه اهتمام قانونگذار به جرایم اقتصادی در بعد شکلی، بند ۳ ماده‌ی ۲ آیین‌نامه دادسرا و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۵۸ نیز رسیدگی به جرایم اقتصادی بزرگ را در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار داده است. ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جهت استفاده از قاعده‌ی تشهیر به منظور تنویر افکار عمومی در رابطه با جرایم اقتصادی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۶۱). البته لازم به ذکر است که کشف و اثبات به هنگام و مفید جرایم اقتصادی، نیازمند وجود ضابطان خاص و آموزش داده مثلاً ماموران گمرگ، در کنار ضابطان عام است. از سویی به جرایم اقتصادی باید در دادگاه اختصاصی رسیدگی شود که در حال حاضر در تهران مجتمعی به این منظور اختصاص داده شده است. به طور کلی مفسدان اقتصادی در هنگام ارتکاب، رفتار خود را با مشاوران حقوقی هماهنگ کرده، لذا از خالهای قانونی سوء استفاده می‌کند. باید دستگاه قضایی محاکمی ویژه با آیین دادرسی ویژه به این امر اختصاص دهد. همانطور که در اوایل انقلاب با تاسیس دادگاه‌های ویژه برای برخورد با گروهک‌های مسلح فارغ از قواعد زائد حقوقی، آرامش به جامعه بازگشت، در این امر نیز باید با شدت و سرعت وارد عمل شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل مؤثر بزهکاری و مهار پدیده‌های مجرمانه آن جامعه می‌باشد. سیاست جنایی معمولاً در قالب یک طرح و استراتژی و سیاست اجتماعی کلی قرار گرفته و ابزارهای آن را نیز نمی‌توان تنها در رویکرد سرکوبگرانه و پاسخ‌های تنبیهی نسبت به جرم در قالب حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری محدود نمود. بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نسبت به وقوع جرایم نیز نقش عمده‌ای در تبیین سیاست جنایی ایفا می‌نماید. با بررسی متون قانونی مربوط به جرایم اقتصادی نظیر ارتشاء، اختلاس، اخذ



پورسانت، اخلال در نظام اقتصادی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، به این نتیجه دست می‌یابیم که با توجه به آشفتگی و پراکندگی موجود در سیاست جنایی تقنینی ایران، اصولاً نمی‌توان یک سیاست جنایی منسجم، مدرن و دارای هدف و جهت را تبیین نمود و آن را با مدل‌های شناخته شده و معتبر علمی مقایسه نمود، اما در هر حال نتایجی که از این بررسی به دست می‌آید را می‌توان طی چند بند بیان نمود:

۱- سیاست جنایی تقنینی کشور در مقابله با برخی از مصادیق جرایم اقتصادی به نظر ناقص می‌رسد. نمونه آن بحث از جرایم ارتشاء و اخذ پورسانت در معاملات خارجی است. در قوانین ما از ابتدای شروع قانون‌گذاری تا حال حاضر، همواره سیاست مقنن بر جرم‌انگاری ارتشاء دولتی استوار بوده و پس از انقلاب نیز از عبارت در حکم ارتشاء استفاده نموده است، حال آنکه هر چند ارتشاء دولتی در سالهای گذشته به دلیل انحصار امور در دست دولت قابل توجیه بوده است، اما امروزه اولاً؛ با توجه به رویکرد جدید جوامع و کشور ما به خصوصی‌سازی و اصل چهل و چهارم قانون اساسی و رشد بخش اقتصاد خصوصی، بسیاری از اموری که در اختیار بخش دولتی بوده، یا به بخش خصوصی واگذار شده و یا بخش خصوصی نیز در کنار بخش دولتی در آن زمینه فعالیت می‌نماید، نظیر بیمه و بانکداری، مخابرات. بنابراین نیاز جرم‌انگاری ارتشاء در بخش خصوصی نیز به شدت احساس می‌شود و اصلاح قوانین در این خصوص ضرورت دارد. ثانیاً؛ در خصوص استفاده از عبارت «در حکم ارتشاء» در قوانین پس از انقلاب نیز توجه به این نکته ضروریست که در حال حاضر ما اصل ارتشاء را جرم‌انگاری ننموده‌ایم اما عملی در حکم آن را جرم‌انگاشته‌ایم. دلایل طرفداران اختصاص رشوه به قضاوت نیز محکم نبوده و بنابراین اصلاح مقررات مربوط به ارتشاء و همچنین اخذ پورسانت و تسری آن به بخش خصوصی، علی‌الخصوص با وجود مزایای الحاق دولت ایران به کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و فساد مالی یک ضرورت انکارناپذیر است. لزوم حفظ و حمایت از سرمایه و در عین حال جلوگیری از ایجاد رانت نیز اهمیت این بحث و لزوم توجه سیاست جنایی به بخش خصوصی را توجیه می‌نماید.

۲- در بحث جرم‌انگاری اعمال مجرمانه‌ای که به نظام اقتصادی صدمه وارد می‌نمایند، تطهیر عواید حاصل از جرم یا پولشویی یکی از مباحث مهم است که با تصویب مجلس شورای اسلامی، و تأیید شورای نگهبان، در واقع سیاست جنایی ابزاری جهت مقابله و مبارزه با این پدیده در اختیار دارد.



۳- در بحث مجازات‌ها و ضمانت اجرای کیفری در جرایم اقتصادی نیز، سیاست مقنن بارها دستخوش تغییرات شده است. به نحوی که اگر قوانین پس از انقلاب را در نظر بگیریم، ابتدا در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ برخوردی خفیف داشته است و سپس در قوانین بعدی نظیر قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور یا قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، بر شدت مجازات‌ها افزوده است. حرکت قوانین نیز به سوی استفاده بیشتر از جزای نقدی در کنار حبس بوده است که با توجه به طبیعت جرایم اقتصادی و انگیزه‌های مرتکبین، اقدامی مثبت و شایسته است.

البته این حرکت در برخی قلمروها رعایت نشده است. در قوانین مربوط به قاچاق کالا و ارز امروزه شاهد رویکرد قضازدایی و کیفرزدایی هستیم و از طرفی در سال ۱۳۸۴ شاهد این مسئله هستیم که با اصلاح تبصره ۱ ماده ۱ قانون اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مقنن با تخفیف مجازات مقرر قانونی تا پنج سال حبس به شش ماه تا سه سال حبس و همچنین عدم تعرض به مجازات شروع به جرم در این قانون یعنی شش ماه تا یکسال و نیم حبس و جزای نقدی بسیار ناچیز، عملاً اهداف مجازات‌ها شامل بازدارندگی و جنبه ارعابی آن را رعایت ننموده است. بنابراین در این زمینه‌ها شاهد سردرگمی سیاست جنایی هستیم.

۴- سیاست جنایی تقنینی در جرایم اقتصادی در پاره‌ای از موارد با عبارات مبهم قوانین مورد نقد قرار می‌گیرد. قوانین جزایی که دایره آزادی‌های افراد جامعه را محدود می‌نمایند، همواره باید به طور شفاف و به دور از هرگونه ابهام بیان گردند. حال آن که ما شاهد این مسئله هستیم که در پاره‌ای موارد مثل قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، مقنن با استفاده از واژه‌های مبهم که قابلیت تفسیرهای چندگانه را دارند، از رعایت اصول قانون گذاری دور شده و در عمل نیز حقوق و آزادی‌های فردی متهم ممکن است زیر پا گذاشته شده و موجبی برای برخورد‌های سلیقه‌ای و گزینشی در اجرای قانون باشد.

۵- تورم قوانین کیفری و مراجع قانون گذاری در این زمینه نیز یکی دیگر از مشکلات موجود است. به نظر می‌رسد در خصوص جرایم اقتصادی و با توجه به تأثیرات عمیق این گونه جرایم بر امنیت و آسایش و اعتماد عمومی به دولت و همچنین تأثیر اینگونه جرایم دارای ماهیت مالی در شکل گیری باندهای بزهکاری و جرایم سازمان یافته، می‌بایستی در قالب انجام یکسری کارهای پژوهشی و کارشناسی، جرایم اقتصادی و قوانین و مقررات و جرم انگاری‌های مربوطه در یک مجموعه قوانین بنام قوانین مربوط به جرایم اقتصادی پیش‌بینی



شود و در همین مجموعه به رویکردهای بازدارنده و پیشگیرانه و نهاد متولی و مسؤول نیز اشاره شود.

۶- یکی دیگر از جنبه‌های مهم سیاست جنایی که امروزه بیشتر مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است، رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه و توسل به پاسخ‌های غیر کیفری و عدالت ترمیمی می‌باشد. در این رویکرد هر چند قوانینی در کشور ما وجود دارند که مورد اشاره قرار گرفت، ولی نحوه اجرای منسجم و جهت دار آن به نظر می‌رسد که تحقق نیافته باشد. به هر حال در این جنبه از سیاست جنایی استفاده از روش‌های غیر مستقیم و مبتنی بر افشای عواید مالی حاصل از فساد به وسیله ساز و کارهای مدیریتی و نظارتی مؤثر است. افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و جلوگیری از ایجاد زمینه‌های جرم‌زا و استفاده از داده‌های علوم جرم‌شناسی و اجتماعی در این خصوص می‌تواند در پیشبرد سیاست جنایی موثر واقع شود.

۷- یکی دیگر از بحث‌ها و چالش‌های پیش روی سیاست جنایی، مسئله الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی است که گذشته از تثبیت موقعیت و وجهه کشور در مجامع بین‌المللی، به مبارزه موثر و بین‌المللی با مفاسد مالی و اقتصادی و جرایم سازمان یافته کمک نموده و همکاری‌ها و معاضدت‌های بین‌المللی را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد. نکته حایز اهمیت در پیوستن به این کنوانسیون توجه به این مسئله است که تنها تعهد به جرم‌انگاری برای دول الحاق شده ایجاد می‌گردد و در نحوه جرم‌انگاری طبق حقوق داخلی خود، مختار هستند. ضمن این که تدابیری نیز جهت حفظ حاکمیت دولت‌ها اندیشیده شده است.

۸- با توجه به اهدافی که برای آیین دادرسی کیفری تعریف شده و از جمله آن حفظ منافع جامعه می‌باشد، مقتضی آن است که مقنن با تدوین، تنظیم و تنسیق قواعدی در آ.د.ک درصد افزایش کارایی دستگاه قضایی و نظام عدالت کیفری در مقابله با بزهکاری شدید و پیچیده همچون جرایم اقتصادی، امنیتی، تروریستی، سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر و... برآید.



فهرست منابع

- ۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۲- آقازاده، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، چاپ اول، انتشارات آریان.
- ۳- آنسل، مارک (۱۳۷۵). دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی. حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولوک برنار (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولوک برنار (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، ج ۲، ترجمه حسن دادبان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۶- باقرزاده، احد (۱۳۸۳). جرایم اقتصادی و پولشویی در پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد مالی و سایر اسناد بین‌المللی، چاپ اول، انتشارات مجده.
- ۷- پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسی نجفی. ابرنآبادی، چاپ اول، انتشارات سمت.
- ۸- حبیب زاده، محمد جعفر؛ محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران، نشریه دانشگاه شاهد، شماره ۹ و ۱۰.
- ۹- حبیب زاده، محمد جعفر (۱۳۸۳). آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان.
- ۱۰- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات سمت.
- ۱۱- حسینی، سید حسین (۱۳۸۳). نگرش تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین، مجله پژوهش‌های حقوقی؛ شماره ۶.
- ۱۲- دباغی، صدیقه (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی نیازمند امنیت اقتصادی است، نشریه ماوی، شماره ۱۲۷.
- ۱۳- سرکشیکیان، سید محمد حسین (۱۳۸۸). سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (ع)، کارگاه آموزشی قوه قضائیه، دوره دوم، سال اول.
- ۱۴- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۰). جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، علوم. جنایی (مجموعه مقالات)



- ۱۵- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۰). جرایم مطبوعاتی T انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۷- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ مریدا
- ۱۸- گسن، ریموند؛ مقدمه‌ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا.
- ۱۹- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۰). محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد.
- ۲۰- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵). سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات یلدا.
- ۲۱- محمدی، علی (۱۳۹۰). نظریه‌های اقتصادی جرم، چاپ اول، تهران، انتشارات قلم.
- ۲۲- می ری، دلماس مارتی (۱۳۸۰). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان.
- ۲۳- متنی نژاد، صادق (۱۳۸۷). جایگاه مبارز با فساد مالی در قوانین و مقررات و نقش و وظیفه دستگاه‌های نظارتی نظام در مبارزه مذکور، ص ۲ سایت: <http://hoghoogh.com.online.fr> 2011/6/10
- ۲۴- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۱). ملاحظاتی در موضوع پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶ و ۳۵.
- ۲۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). خلاصه تقریرات حقوق کیفری اقتصادی (دوره‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد و امین جعفری، نیم سال دوم.
- ۲۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵). تقریرات درسی جرم شناسی (درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد، نیم سال دوم).
- ۲۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴). تقریرات درس جرم شناسی (درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی).
- ۲۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری سیاست جنایی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات).
- ۳۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). مجموعه تقریرات درس جرم شناسی، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱۳۷۹، دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال اول سال تحصیلی.
- ۳۱- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چاپ سوم، نشر دادگستر.

- 32- Sjogren, Hans and Goran Skogh, 2004, *New perspectives on economic crime* , Edward Elgar publishing limited
- 33- Tiedeman, Klaus, 1976, » *Phenomenology of Economic crime*« council of Europe
- 34- The Swedish national council for crime prevention initiative on research in to economic crime " *FINAL ACCOUNT*“ 1998 – 2002 , brottsfore byg-ganderadet , 2004.
- 35- Shishido, Z. (2000). Japanese corporate governance: The hidden problems of corporate law and their solutions. *Delaware Journal of Corporate Law*, 25: 189-226.
- 36- Shover, N., & Hochsteller, A. (2005). *Choosing White-Collar Crime: Doing Deals and Making Mistakes*. New York: Cambridge University Press.
- 37- Roberts, J.V., Stalans , L. J., Indermaur, D., & Hough, M. (2003). *Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries*. New York: Oxford University Press.
- 38- Geis, G. & DiMento , J. F. (2002). *Empirical evidence and the legal doctrine of corporate criminal liability*, *American Journal of Criminal Law*, 29: 345-375.

